دو فصلنامهٔ نظریه و عمل در برنامهٔ درسی
سال هفتم، شمارهٔ ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۳۴-۵

Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.14 (7); 2020, 5-34

الگوی برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی دوره‌ی متوسطه مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها[1]

Designing an Entrepreneurship Curriculum Pattern for High School based on Grounded Theory

جمشید امیدی[2]، دکتر سید احمد هاشمی[3]، دکتر عباس قلتاش[4]، دکتر علی اصغر ماشینچی[5]

چکیده: هدف از آموزش کارآفرینی، پرورش مهارت‌ها و ویژگی‌های کارآفرینانه است . با پرورش این مهارت¬ها در سنین پایین‌تر، می‌توان در آینده، جوانانی توانمند، خلاق و نوآور در تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی داشت . هدف این پژوهش طراحی الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دورهٔ اول متوسطه، بوده است. برای ارائه الگوی برنامه درسی آموزش کار آفرینی از روش نظریه برخاسته از داده ها استفاده شد. حوزهٔ مورد مطالعه، شامل کلیهٔ متون و اسناد تالیفی و منتشر شده در های برنامهٔ درسی و آموزش کارآفرینی؛ و جامعهٔ آماری برای انجام مصاحبه جهت مفهوم سازی، متخصصان و اساتید دانشگاه با رتبهٔ علمی دانشیار و استاد تمام بودند . نمونهٔ آماری تحقیق ۳۰ نفر صاحبنظر و متخصص برنامهٔ درسی و کارآفرینی بودند که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌های مطالعاتی و مصاحبه(برای تولید و مفهوم‌سازی داده‌ها) بوده است . بعد از انجام مصاحبه با متخصصان برنامهٔ درسی و کارآفرینی، مفهوم‌سازی، تجزیه و تحلیل و در نهایت ساخت نظریه انجام گرفت . یافته‌های پژوهش شامل الگویی طراحی شده، جهت آموزش کارآفرینی، برای دانش‌آموزان دورهٔ اول متوسطه است. بر این اساس «طراحی برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی» به عنوان مقولهٔ محوری بر مبنای شرایط علی «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و «ارتباط با بازار کار» و از طریق راهبردهای «مشارکت مربیان در تولید برنامهٔ درسی» و «تعامل مستمر با مراکز علمی» با در نظر گرفتن «ویژگی پذیرندگان»، «به عنوان زمینهٔ الگو» محقق می‌شود و منجر به تحقق «پیامدهای آموزشی، پرورشی و اقتصادی» می‌گردد.

واژگان کلیدی: برنامهٔ درسی، آموزش کارآفرینی، دوره اول متوسطه

J.Omidi. A Hashemi(Ph.D), A.Gholtash(Ph.D), A.Mashinchi (Ph.D)

Abstract: The goal of entrepreneurship education is to develop skills and entrepreneurial skills and developing such skills in students could lead to creating youths who are empowered and creative in social, cultural, political and economic domains. The main purpose of the research was to design an entrepreneurship curriculum pattern for high school based on grounded theory. The corpus of this study included all texts and authoritative documents published in the fields of curriculum and entrepreneurship education. And the statistical population for conducting interviews for conceptualization included faculty members, experts and professors who had some scientific and academic ranks. The research samples included 30 experts majoring in curriculum and entrepreneurship who were selected based on a targeted sampling method. The tools for collecting research data were study boxes and interviews for data generation and conceptualization. In the theoretical aspect, specialized resources and texts in the field of curriculum and entrepreneurship were extracted by a combined approach. After conducting interviews with specialists in curriculum and entrepreneurship, conceptualization, analysis and finally, making the theory was done. The research findings included a model designed for entrepreneurship education for junior high school students that was ultimately approved by education professionals. Based on this, "designing the pattern of the entrepreneurship education curriculum pattern" as a core category based on the contextual conditions of "environmental policies and objectives" and through the strategies of "teacher participation in curriculum development" and "continuous engagement with academic centers" in recognizing the "attribute of receptors" (as a template background) is achieved and leads to the realization of educational and educational implications.

Keywords: curriculum, Entrepreneurship education, high School.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان:«طراحی و اعتباریابی الگوی برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی دوره‌ی متوسطه مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها » است. – تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹

۲. دانشجوی رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران، رایانامه : jamshidomidi447@yahoo.com

۳.دانشیار گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه : hashemi@iaulamerd.ac.ir

۴.دانشیارگروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران، رایانامه : Gholtash578@yahoo.com

۵. استادیار گروه برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران، رایانامه : mashinchi56@gmail.com

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مقدمه

ایده توجه به آموزش کارافرینی، شور و شوق زیادی در چند دهه گذشته ایجاد کرده است و اثرات زیادی برای این توجه ذکر شده است که می توان از جمله مهم ترین آنها به نتایجی چون رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، رشد فردی، افزایش مشارکت مدرسه در خدمات دهی، بهبود کیفیت خدمات و فعالیت ها، می توان اشاره کرد.(لاکیوس[1]، ۲۰۱۵).

قبل از تبیین چیستی آموزش کارافرینی لازم است به مفهوم کارافرینی و دورنمای توجه به آن شاره شود و سپس به تبیین چیستی آموزش کارافرینی و چگونگی توجه به آن در برنامه های درسی مدارس پرداخته شود.

ریچارد کانتیلون[2] (۱۷۳۰) اولین کسی بود که این واژه را در علم اقتصاد ابداع نموده و کارآفرین را فردی تعریف می‌کند که ابزار تولید را به منظور ترکیب، به صورت محصولاتی قابل عرضه به بازار خریداری می‌کند (به نقل از ناهید و گلابی، ۱۳۹۱). طبق نظر کاسون[3] (۱۹۸۲) کارآفرین فردی است که به صورت عقلایی و منطقی در مورد ایجاد هماهنگی در منابع کمیاب داوری کرده و تصمیم‌گیری می‌کند. مهم‌ترین ویژگی‌هایی افراد کارآفرین اعتماد به نفس، استقلال رای، خوش‌بینی، نیاز به موفقیت، پشتکار، سخت‌کوشی، پیشگامی، خطرپذیری، اشتیاق به کارهای بزرگ، رفتار هدایت‌گرانه (سعیدی‌کیا، ۱۳۸۸)، مردم‌داری، انتقادپذیری، ابتکار و نوآوری (فیض و همکاران، ۱۳۹۶)، انعطاف‌پذیری، کاردانی و تدبیر، تغییرپذیری(کردنائیچ، رضائیان و اکبری، ۱۳۸۶) و دوراندیشی و قدرت درک می‌باشد (مذبوحی و همکاران، ۱۳۹۱).

گیب (۲۰۱۱) کارآفرینی را تحت عنوان حوزه‌ای چند رشته‌ای و فرآیندی فراملی، نشان می‌دهد. جوزف مک‌گوایر[4] (۱۹۶۴) نقش کارآفرینی در جوامع مختلف را با توجه به تنوع فرهنگی، متفاوت می‌داند (به نقل از سعیدی‌کیا، نجفی، ابوالعلایی، ۱۳۸۲). از نظر کلدی و رازقی (۱۳۸۰)، ارتباط کارآفرینی با فرهنگ، باید ارزش‌ها، هنجارها و باورهای موجود در

[1] - Lackeus
[2]. Richard Cantillon
[3]. Casson
[4]. Joseph McGuire

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

فرهنگ عمومی متناسب با فعالیت خلاق کارآفرین باشد. شاور[1] و اسکات[2] بر اهمیت تئوری شناخت اجتماعی[3] در کارآفرینی تأکید دارند (ویلسون[4] و همکاران، ۲۰۰۷؛ هارکما و همکاران، ۲۰۰۸). مهم‌ترین جنبه‌های جامعه شناختی کارآفرینی شامل خودکارآیی و توانایی-های شخصی و درک فرهنگ مشارکت اجتماعی (هنونن و پوکجوکی، ۲۰۰۶) خصلت‌های کارآفرینانه متأثر از فرهنگ (کیرچوف و همکاران[5] ، ۲۰۰۲) **می‌باشد. همچنین،** کیرچوف (۱۹۹۴) کارآفرینان را مهندسان اقتصاد می‌داند.

کارآفرینی دارای ویژگی‌های ناآشکار و کاملا منحصر به فرد، غیرقابل پیش‌بینی و مشروط به شرایط خاص خود (جک و اندرسون ، ۱۹۹۹) و هویتی تئوری- کاربردی (سکستون و بومن[6]، ۱۹۸۷) است. معمولاً واژه کارآفرینی با ایجاد شغل و کسب و کار مترادف شده است. در حالی که اشتغال یکی از آثار کارآفرینی است (احمدپور داریانی، ۱۳۹۳). کارآفرینی علاوه بر مهارت‌های کسب و کار، مهارت‌های شخصی چون خلاقیت، نوآوری و ریسک‌پذیری را نیز شامل می‌شود (مولر و توماس[7]، ۲۰۰۱). امروزه، کارآفرینی به مثابه یک استراتژی پرورش ایده و اندیشه، ابتکار و نوآوری، جهت‌دهی به منابع و سرمایه‌ها و هدایت بازار در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است(فیض، احمدپورداریانی و دهقانی‌سلطانی، ۱۳۹۶).

مفهوم آموزش کارآفرینی شامل پرورش کارآفرینان، درک مبانی و مفاهیم کارآفرینی، تقویت توانایی کشف، ارزیابی و استفاده از فرصت‌ها، و مهارت‌های کارآفرینانه و تقویت عوامل تاثیرگذار شخصیتی افراد است (لینان[8]، ۲۰۰۴). آموزش کارآفرینی فرایندی است نظام‌مند، آگاهانه و هدف‌گرا برای تربیت افراد غیرکارآفرین به صورتی خلاق (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵). ماریتز و براون[9] (۲۰۱۳) اعتقاد دارد که در آموزش کارآفرینی، اهداف و

1. Shaver
2. Scott
3. social cognition theory
4. Wilson
5. Kirchhoff
6. Sexton & Bowman
7. Mueller & Thomas
8. Linan
9. Brown & Maritz

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نتایج با هم امتزاج می‌شوند. گیب[1] (۲۰۱۱) اظهار می‌کند که تمرکز اصلی منافع سیاسی، روی ایجاد یک ذهنیت کارآفرینی، در افراد جوان است. هینونن و آکولا[2] (۲۰۰۷) هدف آموزش کارآفرینی را تلفیق مهارت‌ها و ویژگی‌های کارآفرینی شخصی با روند کارآفرینی و مرتبط با رفتار می‌دانند.

جونز و همکاران[3] (۲۰۱۱) آموزش کارآفرینی را همانند ابتکار واحد دانشگاهی توصیف می‌کنند. فرآیند رفتارهای کارآفرینانه را شامل داشتن تمایل، در جست وجوی فرصت بودن، تصمیم به تغییر شرایط و خلق فرصت می‌باشد (هنونن و پوکجوکی، ۲۰۰۶). هولمگرین و فرام[4] (۲۰۰۵) به مزایایی را که آموزش کارآفرینی در ایجاد یکنواختی در شیوه‌های تدریس اشاره می‌کنند. طبق نظر کوراتکو[5] (۲۰۰۵) آموزش کارآفرینی یکی از مبدل‌های تنظیم آموزشی با راه‌حل‌های علمی، آزمون، تجربه‌ی کلاسی و برنامه‌های بین‌رشته‌ای می‌باشد.

بیچارد و تولوس[6] (۱۹۹۸) تدوین محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی را بر مبنای دیدگاه آموزشگران، نیازها و خواسته‌های فراگیران، اهداف اساسی یادگیری، نظرات ارزشیابان برنامه‌ها می‌داند (به نقل از لی و وونگ، ۲۰۰۵). بر طبق نظر لوسزکیو[7] (۲۰۰۸) محتوای و مراحل آموزش کارآفرینی بر را خصوصیت‌های کارآفرینی و مهارت‌های پروژه، و مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینی مبتنی است.

آموزش کارآفرینی معمولاً به سمت تعامل بین دانسته‌ها (سولومون[8]،۲۰۰۷)، داستان‌های کارآفرینی (گارتنر[9]، ۲۰۰۷) و بحث‌های کلاسی (نک و گرین[10]، ۲۰۱۱) گرایش دارد. از منظر پاول و کرت[11] (۲۰۱۳) آموزش کارآفرینی هنوز جا نیافتاده است. شفرد[12] (۲۰۰۴)

---

1. Gibb
2. Heinonen & Akola
3. Jones et al
4. Holmgren & From
5. Kuratko
6. Bechard & Toulouse
7. Luczkiw
8. Solomon
9. Gartner
10. Neck & Greene
11. Powell & Kurt
12. Shepherd

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

آموزش کارآفرینی را با ایفای نقش، به‌یاد آوری خاطرات، سخنرانان مهمان، مطالعات موضوعی و شبیه‌سازی‌ها ممکن ساخت. سولومن (۲۰۰۷) اشاره کرد که آموزش کارآفرینی هم درون کلاس و هم خارج از آن برگزار می‌تواند برگزار شود.

کاتز (۲۰۰۳) بر این باور است که کلید موفقیت توسعه کارآفرینی در شناسایی ارتباط بین نیازهای فراگیران و روش‌های تدریس می باشد. تحقیقات کندی[1] (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزش کارآفرینی می‌تواند به‌طور معناداری، نگرش‌های کارآفرینانه شرکت کنندگان را تغییر دهد. جمالی‌زواره، نصر و جمالی‌زواره (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که دلیل اصلی نبود خوداشتغالی در دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، کمبود آموزش‌های کارآفرینی می‌باشد. پاول و کرت[2] (۲۰۱۲) اذعان می‌دارند که آموزش کارآفرینی بسیار حرفه‌ای‌تر از مشاغل دیگر به پیش می‌رود. هانیک[3] (۲۰۰۴) نشان داد که آموزش کارآفرینی بینش افراد را بالا می‌برد و کمک می‌کند تا افراد در فرایند کارآفرینی بهتر و موفق‌تر عمل کنند.

کیرزنر[4] (۱۹۷۹) دریافتند که فعالیت‌های بصری و موقعیت‌های تعیین شده، با یادگیری کارآفرینی ارتباط دارند. بعلاوه، روش یادگیری تجربی پیشرفته‌ی کلب[5] (۱۹۸۴) در بین شیوه‌های یادگیری کارآفرینی، متداول می‌باشد. رائه و کارزول[6] (۲۰۰۱) یادگیری کارآفرینی را تحت عنوان توانایی فردی تعریف کردند.

مطالعات زیادی در مورد اهمیت آموزش کارآفرینی صورت گرفته است نتایج تحقیق کاسون و همکاران[7](۲۰۱۵) نشان می‌دهد که محیط نامناسب آموزشی مانع ارتقاء کارآفرینان می‌شود. مطالعات درباره آموزش کارآفرینی عمدتاً در سطح تحصیلات بزرگسالان بوده و در سطوح پایین‌تر چالش برانگیز است (فایول، ۲۰۱۳؛ ماریتز و براون، ۲۰۱۳). نتایج تحقیق والتر و دوهسه[8] (۲۰۱۲) نمایانگر این بود که آموزش کارآفرینی بر خود اشتغالی دانش

---

1. Kennedy.
2. Powell & Kurt
3. Honig
4. kirzner
5. Kolb
6. Rae & Carswell
7. Kassean et al
8. Walter & Dohse

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

آموزان تأثیر دارد. لینان و همکارانش[1] (۲۰۱۱) دریافتند که خلاقیت، ابتکار، رهبری، شبکه-یابی و مهارت‌های مذاکره می‌تواند به کارآفرینی در دانش‌آموزان گردد. درایکات[2] (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که در آموزش کارآفرینی در دوره متوسطه باید جنبه‌های شخصی، موقعیتی و اقتصادی را در نظر گرفته شود. نتایج تحقیق کیکول، گاندری، باربوسا و سیمز[3] (۲۰۱۰) نشان داد که بین برخی از سبک‌های حل مسئله و نیت کارآفرینی افراد رابطه وجود دارد. گلام و هولدن[4] (۲۰۰۸) به نقش معلمان در پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه و تحقیقات اندک در این رابطه اشاره می‌کنند. نورمی و پاسیو[5] (۲۰۰۷) اشاره می‌کنند که در فنلاند، دانش‌آموزان نگرش مثبتی نسبت به کارآفرینی دارند. فرانک[6] (۲۰۰۷) به این نتیجه دست یافتند که در آموزش کارآفرینی باید روی روش‌های تفکر، رفتار، خلاقیت، ریسک‌پذیری و حل‌مسئله تاکید گردد تا سودآوری. بنت[7] (۲۰۰۶) اذعان می‌کند که در آموزش کارآفرینی نیاز به معلمان تسهیل‌کننده یادگیری وجود دارد. جونز و انگلیش[8] (۲۰۰۴) معتقدند که آموزش کارآفرینی توانایی افراد را جهت خلق ایده‌ها و انجام تحقیقات تقویت می‌کند.

نتایج مطالعات مرتضی‌نژاد، عطاران، حسینی‌خواه و عباسی (۱۳۹۶) نمایان ساخت که در دوره ابتدائی، آشنائی با مفاهیم پایه، ایجاد انگیزه، علاقه و روحیه کارآفرینانه، و در دورهٔ متوسطه، پرورش مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینی باید صورت گیرد. دهمرده‌قلعه‌نو و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که آموزش کارآفرینی بر یادگیرنده تاثیر مثبت دارد. پارسامنش، صبحی‌قراملکی و برماس (۱۳۹۲) نشان دادند که آموزش کارآفرینی بر رشد صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی در هنرجویان شاخه کار و دانش تاثیر دارد. نتایج تحقیق بهرام‌زاده، باورصاد و جعفرپور (۱۳۸۹) نشان داده که شاخص‌های

1. Linan et al
2. Draycott
3. Kickul, Gundry, Barbosa & Simms
4. Ghulum & Holden
5. Nurmi & Paasio
6. Frank
7. Bennett
8. Jones & English

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

روحیه کارآفرینی کارآفرینی(خلاقیت، عزت نفس، انگیزه‌ی پیشرفت، منبع کنترل درونی، آینده نگری و ریسک‌پذیری) در دانش‌آموزان از حد میانگین بالاتر است.

ایران کشوری در حال توسعه است و آمارهای جهانی نشان می‌دهد که فرصت کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه بیش از دیگر کشورهاست، زیرا فرصت‌های بیشتری برای خلاقیت، رشد و کارآفرینی وجود دارد. به ناچار، افزایش میزان توجه سیاستگذاران، دولتمردان و مدیران به موضوع حساس و ضروری کارآفرینی در جامعه در حال رشد ما، زمینه مناسبی برای بروز استعدادهای کارآفرین، به منظور توسعه اقتصادی کشور فراهم خواهد ساخت که رسیدن به این هدف، نیازمند همکاری نزدیک دولت در تدوین سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و قوانین و محافل علمی(به‌ویژه آموزش و پرورش) در ارائه راهکارهای اجرایی برای شناسایی، پرورش و شکوفایی استعدادهای این افراد است تا از این طریق بتوان هر چه بهتر و بیشتر از این ذخایر گرانبها و پایان‌ناپذیر به نحو احسن استفاده شود. پس ضروری است تا نیروهای جوان کشور را برای استفاده از این فرصت‌ها پرورش داد. امروزه شواهد کافی موجود است که نشان دهد صفات کارآفرینی می‌تواند در نتیجه آموزش دوران کودکی، استقلال، به خود متکی بودن و در معرض ارزش‌های فرهنگی بخصوص مرتبط با کار و صنعت قرار گرفتن، پرورانده شود(استیری، ۱۳۸۹). وجود کارآفرین در اقتصاد دانش‌مدار امروزی ضرورتی حیاتی است و بارها توسط صاحب‌نظران مختلف، این ضرورت تصدیق شده است. به همین سبب آموزش کارآفرینی به شکل‌های مختلف و در سطوح تحصیلی گسترده‌ای افزایش یافته است. در این روش، سیستم آموزشی باید با توجه به نیازهای جاری جامعه پاسخ‌گو باشد.

کمبود تحقیقات مستدل و نیاز به انجام آن در آموزش کارآفرینی، احساس می‌شود. به دلیل کمبود شواهد تجربی، ارزیابی و بر آورد آموزش کارآفرینی با چالش‌های بسیاری مواجه است. بنابراین شیوه‌ها ارزیابی پراکنده و کمیاب هستند. به نظر می‌رسد آموزش کارآفرینی نقش حیاتی در طرح‌های استراتژیکی مختلف دارد و این طرح‌ها اهداف آموزش کارآفرینی را برجسته کرده و مهم شمرده‌اند.

با توجه به اینکه اکثر مطالعاتی که در حوزه کارآفرینی و آموزش آن صورت گرفته، محدود به آموزش عالی می‌باشد و همچنین با توجه به اهمیت کارآفرینی و ضرورت

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

پرورش و آموزش آن در نظام آموزشی کشور، پژوهش حاضر به طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای دوره اول متوسطه، به عنوان اساسی‌ترین دوره سنی که دوره‌ی آغاز استقلال‌طلبی و شکل‌گیری علاقه‌مندی‌ها و گرایشات مختلف فکری است، پرداخته است.

بنابراین، سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا کارآفرینی را می‌توان آموزش داد؟ روش‌های تدریس آن با توجه به ویژگی‌های کار آفرینان چگونه باید باشد؟ اهداف و محتوای درسی و مطالبی که در این دوره‌ها ارائه می‌شود چه باید باشند؟ مخاطبین این دوره-ها چه کسانی می‌توانند باشند؟ و علاوه بر آن در چه سطوح تحصیلی می‌توان کارآفرینی را آموزش داد؟ و مهمتر از همه اینکه، کارافرینی را چه کسی باید و می‌تواند تدریس کند؟ در این تحقیق تلاش شده، پاسخ این سوال‌ها داده شود، شیوه‌ها و فنون مورد استفاده در نظام آموزشی، برای آموزش کارآفرینی مورد بررسی قرار گیرد و تلاش خواهد شد تا براساس دیدگاه‌های موجود، چالش‌ها و زمینه‌های بهبود کیفیت آموزش کارآفرینی در ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و در نهایت یک الگوی مطلوب برنامه درسی کارآفرینی طراحی گردد. بنابر این سوال اصلی تحقیق این خواهد بود که: الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی در دوره متوسطه اول چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش از منظر هدف، توسعه‌ای است. تلاش صورت‌گرفته منجر به پدید آمدن یا تولید یک محصول یا همان الگوی مطلوب برنامه درسی، شده است. در پژوهش حاضر، از آن‌جا که پژوهشگر بر آن بوده تا با مطالعه و بررسی متون، اسناد و منابع کتبی و شفاهی موجود، مبادرت به طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی نماید، از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات، روش پژوهش نظریه برخاسته از داده ها[1] *بوده است.*

حوزهٔ مورد مطالعه پژوهش حاضر، شامل کلیه متون و اسناد تالیفی و منتشر شده(در قالب مقالات، کتاب، اسناد به‌ویژه اسناد بالادستی، مجلات، پایان‌نامه‌ها، و سایت‌های معتبر اینترنتی) در حوزه‌های برنامه‌ی درسی و آموزش کارآفرینی بوده است . در این بخش از

[1] - Grounded Theory

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

روش نمونه گیری نظری استفاده شده است . جامعه آماری برای مصاحبه افرادی بوده اند که در دو رشته علمی مطالعات برنامه درسی و آموزش کارافرینی، دارای رتبه علمی دانشیاری و استاد تمام و صاحب کرسی در دانشگاه‌های کشور هستند. از افراد جامعه آماری، کسانی که در زمینه کارآفرینی و برنامه‌ریزی درسی، تالیف و تحقیق داشتند، ۳۰ نفر که ۱۷ نفر از آنان متخصص برنامه‌ی درسی و ۱۳ نفر صاحب‌نظر و متخصص در زمینه‌ی کارآفرینی بودند، به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند .

ابزار مورد استفاده، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در بخش کیفی و نظری، فیش-های مطالعاتی، اسناد و مدارک، و مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. برای طراحی الگوی مطلوب برنامه‌ی درسی کارآفرینی، ابتدا داده‌های مورد نیاز به روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، اسنادی و بررسی منابع چاپی و الکترونیکی بر اساس فیش برداری، در خصوص برنامه-درسی و کارآفرینی و الگوها و رویکردهای مختلف مربوط به برنامه‌درسی و ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق به طور همه‌جانبه گردآوری شد. سپس مولفه‌های برنامه‌ی درسی کارآفرینی، شناسائی شدند و بر اساس آن‌ها از متخصصین رشته‌های برنامهٔدرسی و حوزهٔ کارآفرینی مصاحبه به‌عمل آمد. بعد از انجام مصاحبه، تحلیل داده ها با روش کدگذاری نظری و فرایند کدگذاری باز، کد گذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد . کدگذاری نظری روشی است برای تحلیل داده‌هایی که به منظور تدوین یک نظریه، به روش نظریه‌پردازی داده بنیاد، گردآوری شده‌اند. به عبارت بهتر کدگذاری عبارت است از عملیاتی که طی آن داده‌ها، تجزیه، مفهوم‌سازی، و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. این همان فرایند اصلی است که طی آن، نظریه بر اساس داده‌ها تدوین می‌شود. مراحل کدگذاری مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی، کدگذاری گزینشی. بدین ترتیب برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل تفسیری رویکرد مقایسه‌ی مداوم استرواس و کوربین استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

سوال اصلی تحقیق: الگوی برنامه درسی آموزش کارافرینی دوره متوسطه اول مبتنی بر نظریه برخاسته از داده ها چگونه است؟

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

برای پاسخ به سوال اصلی پژوهش لازم است فرایند کدگذاری و استخراج تم ها و طبقات توضیح داده شود.

کدگذاری باز داده‌ها: کد گذاری باز[1] در طی مرور داده‌های جمع‌آوری شده، انجام می-شود. استراوس و کوربین کدگذاری باز را اینگونه توصیف می‌کنند «بخشی از تحلیل که مشخصاً به نامگذاری و دسته بندی پدیده، از طریق بررسی دقیق داده‌ها مربوط می شود». به عبارت بهتر در این نوع کدگذاری، مفاهیم طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار، مقوله‌پردازی گفته می‌شود. مقولات، دارای قدرت مفهومی بالایی هستند. زیرا می‌توانند مفاهیم را به دور محور خود جمع کنند.

در این پژوهش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به طور همزمان صورت گرفت. در این فرایند، کدهایی که اشتراک مفهومی داشتند در ذیل یک مقوله، جای گرفتند و بدین ترتیب مقولات متعددی شکل گرفتند. بر اساس مفاهیمی که در این گام حاصل گردید، مقوله‌های اولیه شکل گرفتند. نتیجه این مرحله، تقطیر و خلاصه کردن انبوه اطلاعات کسب شده از اسناد به درون مفاهیم و دسته‌بندی‌هایی است که در این سوالات، مشابه هستند. کدگذاری باز، موضوعات و مفاهیم را از عمق داده‌ها به سطح آورد. این موضوعات و مفاهیم از پرسش اولیه تحقیق و مفاهیم در ادبیات و مصاحبه‌های انجام گرفته، اخذ شده‌اند. کدگذاری باز و مقوله‌پردازی داده‌ها، در جهت شناسایی معیارها و زیرمعیارهای تبیین الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه انجام گرفت. در این بخش اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام گرفته در زمینه پژوهش، شامل ۸۲ مفهوم شد.

در گام بعدی تلاش گردید مقوله‌های مشابه و مقارن، در تم‌های اصلی جای گیرند. بر اساس اشتراک مفهومی که مقولات با یکدیگر داشتند، تم‌ها، به شکل مفاهیم انتزاعی‌تری استخراج شدند. پس از تهیه و تنظیم جدول مفاهیم و مقولات اولیه، به عنوان گام نخست تحلیل کیفی اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، برای تکمیل این فرآیند، مفاهیم حاصله، در سطح بالاتر و تجریدی‌تر جهت دست‌یابی به تم‌های اصلی، گروه‌بندی شدند.

[1] Open coding

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

پس از مقایسه‌ی مقولات گروه‌بندی شده، مقولات مرتبط با یکدیگر، در یک مضمون کلی دسته‌بندی شدند و بر اساس عناوین موجود در نظریه‌های مرتبط یا مفاهیم برخاسته از ادبیات تحقیق، عناوین کلی برای این مضمون‌ها در نظر گرفته شد.

به‌وسیلهٔ تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن چیزی که یک تِم در مورد آن بحث می‌کند مشخص شد و تعیین شد که هر تِم کدام جنبه از اطلاعات را در خود جای داده است. در ذیل، تم‌ها به طور مختصر و جامع ارائه می‌شوند:

جدول (۱)، تم‌های مشترک استخراج شده از تحلیل‌ها

تم‌های مشترک استخراج شده از تحلیل‌ها	
تم ۱، مبانی فلسفی	
رسالت آماده نمودن انسان برای تسلط بر مهارت‌های حرفه‌ای و بهره‌برداری از آن	مفاهیم
ویژگی تغییرپذیری و ضرورت تربیت انسان	
حاکم شدن دیدگاه‌های فعال بودن فراگیر در فرایند یاددهی- یادگیری	
توجه آموزش و پرورش به تفکر خلاق و تفکر انتقادی	
توجه به یادگیری مادام‌العمر، پرورش آگاهی آموزش و مسایل مبتلا به جامعه و توانمند کردن دانش‌آموزان به تفکر حل مساله	
احترام به ارزش‌ها و فرهنگ‌های مختلف و تلاش در جهت حفظ و ارتقا آنها	
تم ۲، مبانی جامعه‌شناختی	
ضرورت ارتباط مداوم آموزش و پرورش با دنیای اقتصاد	مفاهیم
توجه آموزش و پرورش به سواد و مهارت‌های حرفه‌ای	
ارتباط آموزش و پرورش با دنیای کار	
ضرورت توجه بـه تربیت شهروند جهانی در عین احترام به تنوع فرهنگی	
تم ۳، مبانی روانشناختی	
توجه به یادگیری مبتنی بر موقعیت	مفاهیم
رسالت ایجاد و پشتیبانی از مهارت‌های تفکر سطح بالا (کاربردی)	
ضرورت افزایش مسئولیت‌پذیری فراگیران در فرایند یادگیری	
بهره گیری از روش‌های متنوع در ارایه محتوا	

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تم‌های مشترک استخراج شده از تحلیل‌ها	
تم ۴، ویژگی‌های محیطی	
سیاست‌های نظام آموزشی در حوزه برنامهٔ درسی کارآفرینی	مفاهیم
پذیرش علوم کارآفرینی در محیط اجتماعی	
اختصاص بودجه به فعالیت‌های علمی کارآفرینی(محیط اقتصادی)	
تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار	
حمایت‌های قانونی دولت از دارندگان مدرک کارآفرینی	
تم ۵، محتوای برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی	
مطابقت محتوای برنامهٔ درسی با استانداردهای صلاحیت حرفه‌ای	مفاهیم
رعایت انتخاب محتوای برنامهٔ درسی با ساختار دانش کارآفرینی	
تولید محتوای الکترونیکی به روز بودن در برنامهٔ درسی کارآفرینی	
ارتباط و انعطاف محتوای برنامهٔ درسی کارآفرینی با علایق دانش‌آموزان	
رضایت دانش‌آموزان از محتوای برنامهٔ درسی کارآفرینی	
تأکید بر پژوهش و کاوشگری در محتوای برنامهٔ درسی کارآفرینی	
میزان توجه به تخصصی بودن محتوای برنامهٔ درسی کارآفرینی	
میزان رعایت نیازهای جامعه در انتخاب محتوای برنامهٔ درسی کارآفرینی	
تم ۶، ارتباط با بازار کار از طریق اصول پودمانی	
تعیین استانداردهای صلاحیت حرفه‌ای	مفاهیم
نیاز سنجی از بازار کار	
سنجش عملکرد و یا ارزشیابی یادگیری مستقل هر یک از پودمان‌ها بر اساس معیارهای محیط واقعی کار	
تأکید بر کار عملی در وضعیتهای کاری واقعگرایانه	
توسعه مهارت‌های محوری، آموزش ضمن کار و آموزش برای توسعهٔ خوداشتغالی و فعالیت‌های اقتصادی کوچک	
تم ۷، اهداف برنامه درسی آموزش کارآفرینی	
آگاهی دانش آموزان و مربیان با تحولات نظام کارآفرینی	مفاهیم
موفقیت برنامهٔ درسی در رشد همه جانبه و آمادگی دانش‌آموزان	
مطابقت برنامهٔ درسی با هدف ارتقاء حس راهبری دانش‌آموزان در حوزهٔ کارآفرینی	

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تم‌های مشترک استخراج شده از تحلیل‌ها	
توجه به علایق دانش‌آموزان بر انتخاب اهداف برنامهٔ درسی کارآفرینی	
تغییر سرفصل دروس با توجه به تحولات علمی و نیازهای تعلیم وتربیت کارآفرینی	
تم ۸، فرایندهای یاددهی و یادگیری آموزش کارآفرینی	
انطباق روش‌های تدریس جدید با اهداف برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی	مفاهیم
مشارکت فعال دانش‌آموزان در برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی	
آمادگی دانش‌آموزان جهت یادگیری و تحصیل علوم کارآفرینی	
کیفیت بازخوردهای ارائه شده به دانش‌آموزان	
فرصت مناسب به دانش‌آموزان جهت اندیشیدن به مسائل آموزش کارآفرینی	
تلاش جهت پروراندن ابعاد عاطفی و شناختی دانش‌آموزان	
اعتقاد به ایجاد فرصت تحلیل و ارزیابی مسائل کارآفرینی توسط دانش‌آموزان	
توجه به محبت و حمایت‌های عاطفی در محیط یادگیری	
بهبود مستمر فرآیندهای آموزش مهارت‌های مورد نیاز بازار	
تم ۹، صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز اشتغال	
ارائهٔ آموزش‌های مهارت‌محور	مفاهیم
ارتباط خروجی‌های یادگیری با مهارت‌های مورد نیاز اشتغال	
تولید محتوای درسی در راستای کسب صلاحیت لازم در حرفه	
توسعهٔ برنامه‌های درسی برای بخش‌ها و حرفه‌ای اولویت‌دار	
تم ۱۰، استفاده از فناوری اطلاعات	
هوشمندسازی کلاس‌های درس آموزش کارآفرینی	مفاهیم
استفاده مربیان از کامپیوتر و فن‌آوری‌های نوین در امر یاددهی	
استفاده از فناوری اطلاعات در دوره‌ها و همایش‌های حوزهٔ آموزش کارآفرینی	
میزان دستیابی مربیان و دانش‌آموزان به اینترنت جهت آموزش کارآفرینی	
میزان بازنگری در سرفصل دروس براساس فن‌آوری‌های جدید	
تم ۱۱، استانداردهای دوره‌های آموزش کارآفرینی	
تناسب دوره‌های کارآفرینی دانش‌آموزان با نظریات جدید تعلیم و تربیت کارآفرینی	مفاهیم
تناسب مدت زمان فعالیت‌های میدانی دانش‌آموزان در دوره‌های کارآفرینی	

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تم‌های مشترک استخراج شده از تحلیل‌ها	
	تأثیر رفت و آمد بین آموزشگاه و بازارکار طی دورهٔ آموزش کارآفرینی
	برپایی کارگاه‌های پیاپی رفع اشکال طی دورهٔ آموزش کارآفرینی
	دوره‌های بازآموزی مجازی برای فارغ‌التحصیل سابق
	صلاحیت تخصصی و عمومی مربیان دروس آموزش کارآفرینی
تم ۱۲، تعامل مستمر با مراکز علمی و پژوهشی	
مفاهیم	ارتقاء توان علمی مربیان با آموزش‌های مستمر و حین خدمت در حوزهٔ برنامه درسی آموزش کارآفرینی
	ایجاد فرصت‌های علمی وپژوهشی لازم در حوزهٔ آموزش کارآفرینی برای مربیان از سوی مدیران
	ایجاد فرصت تصمیم‌سازی برای دانش‌آموزان و مربیان
	تعامل مدارس با نهادهای محلی و صاحب‌نظران حوزه آموزش کارآفرینی
	تخصیص اعتبارات پژوهشی و شرکت در همایش‌های آموزش کارآفرینی به مربیان
	برگزاری سمینارهای علمی و تبادل اطلاعات با سایر مراکز علمی
تم ۱۳، مشارکت مربیان در تولید برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی	
مفاهیم	ایجاد تحرک در مربیان جهت مشارکت در تولید برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی
	توجه مربیان به بافت و مسائل محلی در برنامه‌ریزی درسی آموزش کارآفرینی
	میزان رصد تحولات علمی آموزش کارآفرینی توسط مربیان
	همکاری دانش آموزان و مربیان جهت انتخاب برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی
	تأثیر برنامه درسی مربیان بر دانش، پژوهندگی و بینش دانش‌آموزان
	مشارکت مربیان و کارشناسان در تولید محتوای آموزش کارآفرینی
تم ۱۴، روش‌های ارزشیابی	
مفاهیم	استفاده از پوشهٔ کار و چک لیست برای ارزشیابی فعالیت‌های دانش‌آموزان در حوزهٔ آموزش کارآفرینی
	مشاهدهٔ مستقیم رفتار دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف جهت ارزشیابی آنان
	سنجش مهارت‌های دانش‌آموزان بر اساس روش‌های خودسنجی و انجام پروژه‌های فردی و گروهی
تم ۱۵، ویژگی پذیرندگان	
۹ –	انگیزش پذیرندگان به یادگیری دروس آموزش کارآفرینی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

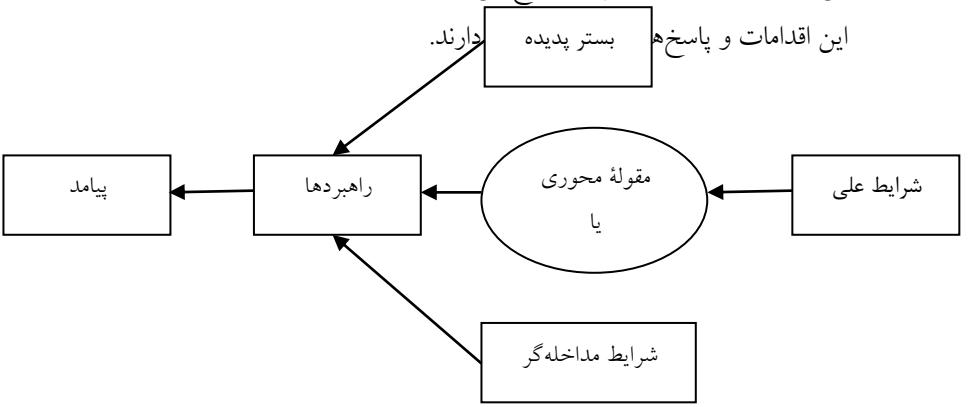
تم‌های مشترک استخراج شده از تحلیل‌ها	
توسعه تخصصی دانش‌آموزان در حوزهٔ آموزش کارآفرینی	
تم ۱۶، عوامل تسهیل کننده	
حمایت مدیران ارشد	مفاهیم
ساختار مراکز آموزش کارآفرینی	
مربیان آموزش دیده	
تم ۱۷، موانع پیش‌روی	
موانع مدیریتی	مفاهیم
موانع ارزشی	
موانع قانونی	
تم ۱۸، پیامدهای آموزشی	
تولید محتوای کارآمد در زمینه آموزش کارآفرینی	مفاهیم
ارتقای روش‌های تدریس در آموزش کارآفرینی	
ارتقای سطح اطلاعات معلمان در زمینهٔ آموزش کارآفرینی	
تم ۱۹، پیامدهای پرورشی	
افزایش سطح دانش دانش‌آموزان در زمینهٔ آموزش کارآفرینی	مفاهیم
ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای دانش‌آموزان در آموزش کارآفرینی	
ترویج کارآفرینی	
تم ۲۰، پیامدهای اقتصادی	
ورود به بازار کار و اشتغال مهارت آموختگان	مفاهیم
پرورش نیروی کار ماهر در زمینهٔ آموزش کارآفرینی	
افزایش بهره‌وری	

کدگذاری محوری: هدف از کدگذاری محوری ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده(در مرحله کدگذاری باز) است. این عمل معمولا بر اساس الگوی پارادایم انجام می‌شود و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه‌پردازی را به سهولت انجام دهد. اساس ارتباط-دهی در کدگذاری محوری، بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دارد. در کدگذاری محوری، با مجموعه‌ای سازمان‌یافته از کدها و مفاهیم اولیه مواجه هستیم که نتیجه‌ی بررسی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

دقیق و تفصیلی مقالات و اسناد در مرحله کدگذاری باز است. تمرکز این مرحله، بیشتر بر کدها و مفاهیم است، و نه داده‌ها. البته ممکن است که کدها یا مفاهیم جدیدی نیز در این مرحله ظهور یابند، ولی وظیفه اصلی، مرور و بررسی کدهای اولیه است و به سوی سازماندهی موضوعات، مفاهیم، دسته بندی‌ها و تعریف محور مفاهیم کلیدی در تحلیل حرکت می‌کنیم. بنابراین پرسشی که در مرحله کدگذاری محوری این تحقیق مطرح شد، عبارت است از اینکه، آیا می‌توان مقولات مختلف را درون یک توالی یا تسلسل، سازماندهی کرد؟

در این تحقیق، کدگذاری محوری بر اساس الگوی پارادیم، (شکل ۱) صورت گرفته است. بنابراین دسته‌بندی‌های فرعی، با دسته‌بندی اصلی مطابق با الگوی پارادایم مرتبط می‌شوند و هدف اصلی این است که محقق را قادر سازد تا به صورت نظام‌مند در مورد داده‌ها و مرتبط کردن آنها تفکر کند. دسته‌بندی اصلی(مانند ایده یا رویداد محوری) به عنوان پدیده تعریف می‌شود و سایر دسته‌بندی‌ها، با این دسته‌بندی اصلی مرتبط می‌شوند. شرایط علّی، موارد و رویدادهایی هستند که منجر به ایجاد و توسعه پدیده می‌گردند. بستر یا زمینه به مجموعه‌ای ویژه از شرایط، و شرایط مداخله‌گر به مجموعه گسترده‌تری از شرایط اشاره دارند که پدیده در آن قرار دارد. راهبردهای کنش یا تقابل، به اقدامات و پاسخ‌هایی اشاره می‌کنند که به‌عنوان نتیجهٔ پدیده، رخ می‌دهند و در نهایت ستاده‌های خواسته یا ناخواسته‌ی این اقدامات و پاسخ‌ها دارند.



[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شکل (۱) الگوی پارادایم

۱- مقوله محوری: طراحی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی: با توجه به اینکه بر اساس الگوی طراحی شده، «طراحی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی» را به عنوان مبنا و ستون اصلی تحقق الگوی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه قلمداد کرده‌اند، پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری باز، و بررسی ویژگی‌های ارائه شده، مقولهٔ «طراحی برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی» به عنوان مقوله‌ی محوری انتخاب شد. طراحی برنامه‌ی درسی شامل مبانی روانشناختی، جامعه‌شناختی و فلسفی، هدف، محتوا، بکارگیری فناوری، روش و ارزشیابی در حوزه کارآفرینی می‌باشد.

۲- شرایط علی: سیاست‌ها و اهداف محیطی و ارتباط با بازار کار: شرایط علی، باعث ایجاد و توسعه‌ی پدیده یا مقوله‌ی محوری می‌شوند. از میان مقوله‌های موجود، «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و «ارتباط با بازار کار» به عنوان عللی تلقی می‌شوند که نقشی فعال در الگوی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی داشته‌اند و تا این عوامل مهیا نشوند برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی محقق نمی‌شوند.

۳- کنش‌ها و تعاملات: مشارکت مربیان در تولید برنامه درسی و تعامل مستمر با مراکز علمی: کنش‌ها و تعاملات بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که در پاسخ به مقوله‌ی محوری و تحت تاثیر شرایط مداخله‌گر، اتخاذ می‌شوند. به این مقوله‌ها راهبرد نیز گفته می‌شود. که در تحقیق حاضر عبارتند از: مشارکت مربیان در تولید برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی و تعامل مستمر با مراکز علمی.

۴- شرایط مداخله‌گر: عوامل تسهیل کننده و موانع: شرایط مداخله‌گر عواملی هستند که در اجرای خط‌مشی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی در دوره متوسطه اول، تاثیرگذار است. عواملی که در تحقیق حاضر در الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی نقش عوامل تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند عبارتند از: حمایت مدیران مدارس، ساختار مراکز آموزشی و مربیان آموزش دیده. همچنین موانع عملیاتی، موانع مدیریتی، فرهنگ

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کارآفرینی و موانع قانونی، از جمله‌ی موانع پیش روی برنامه درسی آموزش کارآفرینی را هستند.

۵- بستر حاکم: ویژگی پذیرندگان: به شرایط خاصی که برکنش‌ها و تعاملات تاثیر می‌گذارند، بستر گفته می‌شود. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند و در الگوی معرفی شده عبارتند از: انگیزش پذیرندگان، نگرش پذیرندگان، ارزش‌های پذیرندگان و توسعه مهارت‌های تخصصی.

۶- پیامدها: موفقیت برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی: برخی از مقوله‌ها، بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. در پژوهش حاضر، رخداد نتایج تصمیم‌گیری، شامل پیامدهای آموزشی، پرورشی و اقتصادی، نتیجه‌ی کنش‌ها و تعاملات ایجاد شده و تاثیرپذیر از شرایط علی، مقوله‌ی محوری و بستر حاکم می‌باشد، که عوامل متعددی را شامل می‌شود. شکل (۲)، ایجاد ارتباط بین مقوله‌های مختلف شناسایی شده را در قالب الگوی پارادایم نمایش می‌دهد.

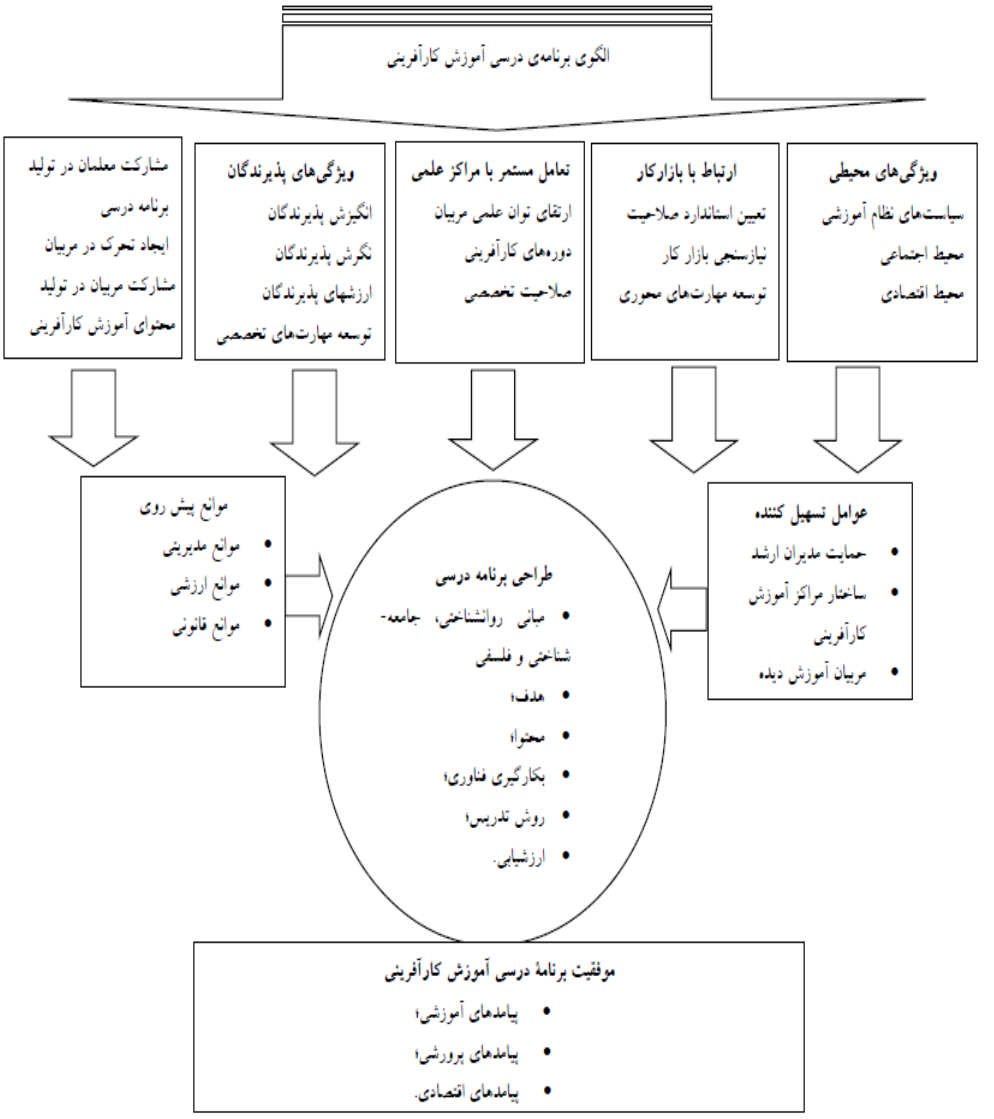
کدگذاری انتخابی(مرحله‌ی نظریه‌پردازی): کدگذاری انتخابی عبارت است از فرآیند انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن نظام‌مند آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تایید اعتبار این روابط، و تکمیل دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند. در این مرحله به تجزیه و تحلیل کلی و ادغام کردن شرایط مختلف پرداخته می‌شود که در کدگذاری محوری به آن‌ها اشاره گردید. در کدگذاری انتخابی، تلفیق داده‌ها اهمیت زیادی داشته و در رهیافت نظام‌مند برای آن، رویه هایی مطرح می‌شود از جمله، بکارگیری یک روایت بر اساس روابط الگوی پارادایم.

به عبارت بهتر در کدگذاری انتخابی که مرحله اصلی نظریه‌پردازی به شمار می‌رود، مفاهیم بایستی به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام‌مند، به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

وقتی هدف مطالعه، شناخت کنش متقابل باشد، اولین قدم، بیان روابط کنش متقابل با نزدیک‌ترین شرایط موثر به آنها است. سپس محقق به دنبال وارد کردن طیف وسیع-تری از شرایط و تحلیل‌ها است. این کار کمک می‌کند که ماهیت پدیده و اینکه چه چیز باعث تداوم یا توقف آن شود روشن شده و نحوه شکل‌گیری آن، توضیح داده می‌شود. در مرحله کدگذاری انتخابی نیز، ارتباط میان معیارهای الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی در قالب تحلیل روایت تحقیق، تعیین شدند. شکل (۲)، ایجاد ارتباط بین مقوله‌های مختلف شناسایی شده را در قالب الگوی پارادایم نمایش می‌دهد.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]



کل ۲. الگوی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی

بر این اساس «طراحی برنامه درسی آموزش کارآفرینی» به عنوان مقوله‌ی محوری، بر مبنای شرایط علی «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و «ارتباط با بازار کار» و از طریق

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

راهبردهای «مشارکت مربیان در تولید برنامه‌ی درسی» و «تعامل مستمر با مراکز علمی» با در نظر گرفتن "ویژگی پذیرندگان" (به عنوان زمینه‌ی الگو) محقق می‌شود و منجر به تحقق "پیامدهای آموزشی، پرورشی و اقتصادی" می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش کارآفرین، منش کارآفرینانه‌ی طرز برخورد با مسائل و مهارت‌های شخصی را شامل می شود. به کار بردن این مهارت و شخصیت کارآفرینانه، به تأثیر مثبت و پایداری بر اقتصاد و اجتماع می انجامد. دانش‌آموزان مدارس، سخت می‌کوشند تا در امتحانات کنکور و ورود به دانشگاه، موفق شوند و متأسفانه اکثراً آمادگی برای فعالیت در بازار کسب وکار و قابلیت‌های علمی و مهارتی لازمه را ندارند. برنامه‌ریزی درسی، برای سازماندهی دقیق فعالیت‌ها و تجربیات یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در فراگیران، نیاز به شناخت و آگاهی از مکاتب فلسفی و بررسی دیدگاه‌های تربیتی آنها در باره اهداف، روش‌ها و محتوا دارد. مبانی جامعه‌شناسی برنامه‌ریزی درسی شامل توجه به جنبه‌های فرهنگی در مدرسه، برطرف نمودن نیاز جامعه و دانش‌آموزان، تقویت عزت نفس و خلاقیت می‌باشد. مبانی روانشناسی برنامه‌ریزی درسی شامل مطالعه‌ی فراگیران، ویژگی‌ها، نیازها و علایق آن‌ها، فرایند یادگیری و عوامل مؤثر در آن می‌باشد. یافته‌های تحقیق در زمینه‌ی مبانی فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی در دوره اول متوسطه ایران، با تحقیقات کاسون و همکاران (۲۰۱۵)، گارنت[1] (۲۰۱۳)، فایول (۲۰۱۳)، پاول و کورت (۲۰۱۲)، والتر و دوهسه (۲۰۱۲) همسو است. الگوی مطلوب برنامه‌ی درسی کارآفرینی از نظر هدف شناسایی شد و شامل مطابقت اهداف برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی در جهت رفع مشکلات آموزش و تربیت کارآفرینانه، آگاهی دانش‌آموزان و مربیان با تحولات نظام کارآفرینی، موفقیت برنامه‌ی درسی در رشد همه جانبه و آمادگی دانش‌آموزان، مطابقت برنامه‌ی درسی با هدف ارتقاء حس راهبری دانش‌آموزان در حوزه‌ی کارآفرینی، توجه به علایق دانش‌آموزان بر انتخاب اهداف برنامه‌ی درسی کارآفرینی و تغییر سرفصل دروس با توجه به تحولات علمی و نیازهای تعلیم وتربیت کارآفرینی می‌باشد. لازمه کارآفرینی نیز

[1]. Garnett

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

توجه به واحدهای مهارت‌ساز در مذاکره، رهبری، توسعه‌ی محصول جدید، تفکر خلاق و رویکرد باز به نوآوری‌های فناوری را شامل است. یافته‌های تحقیق در زمینه‌ی الگوی مطلوب برنامه‌ی درسی کارآفرینی، از نظر هدف با تحقیقات والتر و دوهسه (۲۰۱۲)، لینان و همکارانش (۲۰۱۱)، مرتضی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) همسو است. براساس یافته‌های تحقیق محتوا عبارت است از مطابقت محتوای برنامه درسی با استانداردهای صلاحیت حرفه‌ای، رعایت انتخاب محتوا، تولید محتوای الکترونیکی به روز شده، ارتباط محتوا با علایق دانش آموزان، و رضایت دانش آموزان از محتوای برنامه درسی کارآفرینی است. بنابراین تربیت کارآفرین نه تنها نیازمند دانش بلکه شیوه‌های نوین تفکر، نوع جدیدی از مهارت‌ها و مدل-های جدیدی از رفتار می‌باشد. یافته‌های تحقیق در زمینه الگوی مطلوب برنامه درسی کارآفرینی از نظر محتوا و سازماندهی با تحقیقات کاسون و همکاران (۲۰۱۵)، دراکوپوئولو و داد و هینس (۲۰۱۲)، گلام و هولدن (۲۰۰۸)، ماتلی[1] (۲۰۰۸)، جونز و ماتلی (۲۰۰۶)، تن (۲۰۰۴) و روشن و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. براساس یافته‌های تحقیق روش تدریس عبارت است از انطباق روش‌های تدریس جدید با اهداف برنامه درسی آموزش کارآفرینی، مشارکت فعال دانش‌آموزان، آمادگی دانش آموزان جهت یادگیری و تحصیل علوم کارآفرینی، کیفیت بازخوردهای ارائه شده به دانش آموزان، فرصت اندیشیدن، پرورش ابعاد عاطفی و شناختی دانش‌آموزان. ارائه مجموعه‌ای از مواد آموزشی تدوین شده شامل دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه به افراد است تا با وجود ریسک، فرصت‌هایی را که دیگران نادیده گرفته‌اند، شناسایی کنند و با بینش و اعتماد به نفس در جاهایی که دیگران تعلل کرده‌اند، فورا دست به کار شوند و کسب و کار خود را راه‌اندازی کنند. یافته های تحقیق در زمینه الگوی مطلوب برنامه درسی کارآفرینی از نظر روش تدریس با تحقیقات گارنت (۲۰۱۳)، فایول (۲۰۱۳)، بیردیستل (۲۰۰۸)، جونز و ماتلی (۲۰۰۶)، مرتضی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶)، نادری و همکاران (۱۳۹۴)، روشن و همکاران (۱۳۹۴)، پارسامنش و همکاران (۱۳۹۲) همسو است. براساس یافته های تحقیق الگوی ارزشیابی عبارت است از استفاده از پوشه کار و چک لیست برای ارزشیابی فعالیت‌های دانش‌آموزان در حوزه آموزش

[1]. Matlay

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کارآفرینی، مشاهده مستقیم رفتار دانش آموزان در موقعیتهای مختلف جهت ارزشیابی آنان و سنجش مهارتهای دانش آموزان براساس روشهای خودسنجی و انجام پروژههای فردی و گروهی. معیارهای آموزش کارآفرینی مربوط به ارزیابی دانش، مهارت‌ها یا ابزار خاص، سطح علاقه، آگاهی، درجه‌ی مشارکت در کلاس و انگیزه است که چالشی را برای مطالعات آینده، پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌های تحقیق در زمینه الگوی مطلوب برنامه درسی کارآفرینی از نظر ارزشیابی با تحقیقات مرتضی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) و علی‌میری (۱۳۸۷)، بیردیستل (۲۰۰۸)، جونز و ماتلی (۲۰۰۶)، بچارد و گریگور[1] (۲۰۰۵) و هوینگ (۲۰۰۴) همسو است.

نتایج حاصل از بررسی مدل نشان داد که براساس الگوی طراحی شده، "طراحی برنامه درسی آموزش کارآفرینی" را به عنوان مبنا و ستون اصلی تحقق الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه قلمداد کرده‌اند، از میان مقوله‌های موجود، «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و «ارتباط با بازارکار» به عنوان عللی تلقی می‌شوند که نقشی فعال در الگوی برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی داشته و تا این عوامل مهیا نشوند برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی محقق نمی‌شوند. همچنین در تحقیق حاضر، مشارکت مربیان در تولید برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی و تعامل مستمر با مراکز علمی به عنوان راهبرد در نظر گرفته شد. عواملی که در تحقیق حاضر در الگوی برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی، نقش عوامل تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند عبارتند از: حمایت مدیران مدارس، ساختار مراکز آموزشی، همچنین انگیزش پذیرندگان، نگرش پذیرندگان و ارزشهای پذیرندگان و توسعه تخصصی به عنوان بستر در نظر گرفته شدند.

الگوی برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دورهٔ اول متوسطه، با شرایط کشور ایران تهیه شده و تلاش دارد با نگاهی تخصصی و تفصیلی، خلاء موجود در الگوهای عملکردی که همانا ناتوانی در نگاه تخصصی و خُرد به حوزهٔ برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه است، را رفع نماید. بر این اساس چند پیشنهاد کاربردی برخاسته از نتایج این تحقیق مطرح می شود: پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزان درسی، این الگو را برای تدوین برنامه های درسی آموزش کارافرینی برای دوره های تحصیلات

[1]. Bechard & Gregoire

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

عمومی به خصوص دوره متوسطه مد نظر قرار دهند، در طراحی برنامه های درسی آموزش کارافرینی ضمن در نظر گرفتن سیاست های کلان نظام آموزشی بهنیازسنجی عمیق و دقیق بپردازند و نیازهای بازار کار و ویژگی های مخاطبان برنامه و نیازهای محیط اجتماعی و اقتصادی را در نظر بگیرند و در این فرایند از مشارکت مجریان برنامه های درسی آموزش کارافرینی نیز غفلت نکنند. مشارکت مجریان و مربین می تواند ضمانت اجرای هر چه بهتر برنامه درسی تدوین شده را در پی داشته باشد و موجب تحرک آنان و پویایی محتوای تدوین شده گردد. در طراحی برنامه های درسی آموزش کارافرینی لازم است حمایت و همراهی گروههای ذی نفوذ و ذی صلاح جلب شود و علاوه بر آن موانع مدیریتی، قاونونی و سایر محدودیت ها تشخیص داده شود تا اصتحکاک برنامه درسی تدوین شده با برنامه درسی عملیاتی به حداقل کاهش یابد.

منابع

احمدپور داریانی، محمود.(۱۳۹۳). ***کارآفرینی، تعاریف، الگوها و نظریات***. تهران: ساکو.

فیض، داوود؛ محمود احمدپور و مهدی دهقانی‌سلطانی.(۱۳۹۶). ***مدرسان کارآفرینی: ویژگی‌ها، مهارت‌ها و شیوه‌های آموزشی***. سمنان: دانشگاه سمنان .

بهرام‌زاده، محمدمهدی؛ بلقیس باورصاد و محمود جعفرپور.(۱۳۸۹). ارزیابی نقش جو سازمانی در روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اهواز. ***مجله علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۶، شماره ۱***، ص ۱۵۱– ۱۸۰.

پارسامنش، فریبا؛ ناصر صبحی‌قراملکی و حامد برماس.(۱۳۹۲). اثربخشی آموزش کارآفرینی بر رشد صفات شخصیتی مربوط به کارآفرینی هنرجویان شاخه کار و دانش. ***مطالعات روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، سال چهارم، شماره ۱۶*** ، ص ۹۱–۹۹.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جمالی‌زواره، بتول؛ احمدرضا نصر و اعظم جمالی زواره.(۱۳۹۰). آموزش کار آفرینی ضرورتی انکارناپذیر در آموزش عالی ۱۴۰۴»، ***اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، دانشگاه علم و صنعت ایران***، ۷ و ۸ آبان ماه .

دهمرده قلعه‌نو، سمیرا؛ میلاد فطانت‌فرد حقیقی و رضا قرایی‌پور.(۱۳۹۴). بررسی مدل-های آموزش کارآفرینی. ***اولین کنفرانس مدیریت و کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی. انجمن مدیریت ایران واحد خراسان***، مشهد، ۱۶ مهر ماه

ذبیحی، محمدرضا و علیرضا مقدسی.(۱۳۸۵). ***کارآفرینی از تئوری تا عمل***. مشهد: جهان فردا(نما)

روشن، محمدرحیم؛ الهام سیفی، بیژن عبدالهی، ژیلا نوکانی و زهرا بنی‌جمالی. (۱۳۹۴). بررسی رابطهٔ بین آموزش کارآفرینانهٔ معلم(اهداف، محتوا، ضرورت، شیوه و محیط آموزشی) با روحیهٔ کارآفرینانهٔ دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران. ***مجله‌ی اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشگاه الزهراء، دورهٔ ۱۱ ، شمارهٔ ۱***، ص ۱۵۲– ۱۷۹.

سعیدی‌کیا، مهدی.(۱۳۸۸). ***راهنمای تدریس کارآفرینی***. تهران: انتشارات کیا.

سعیدی‌کیا، مهدی؛ فرزین ابوالعلایی و زهرا نجفی.(۱۳۸۲). ***آشنایی با کارآفرینی***. تهران: انتشارات سپاس.

شرفی، محمد، سعید مذبوحی و مینا مقدم.(۱۳۹۰). برنامه درسی آموزش کارآفرینی: هدف، محتوا، روش تدریس و شیوه ارزشیابی.***مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱، شماره ۳***، صص ۹۷ تا ۱۳۶.

علی‌میری، مصطفی.(۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی: پیدایش، توسعه، گرایش‌ها و چالش‌ها. ***مجله توسعهٔ کارآفرینی،دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۱***، پائیز ۱۳۸۷، ص ۱۳۳–۱۶۹.

کردنائیج، اسدالله، حسن اکبری و علی رضائیان.(۱۳۸۶). بررسی موانع کارآفرینی سازمانی: مورد مطالعه شرکت صنعت چوب شمال. ***فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۱، شماره ۲۰***، صص ۱۴۱– ۱۵۹.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کلدی، علیرضا و منظر رازقی. (۱۳۸۰). فرهنگ خلاقیت و توسعه علم و فناوری(مقایسه جامعه ایران و ژاپن. ***مجله رهیافت، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، دوره ۱۱، شماره ۲۶***، صص ۱۰۴-۱۱۲.

مرتضی‌نژاد، نیلوفر؛ مخمد عطاران، علی حسینی‌خواه و عفت عباسی.(۱۳۹۶). تبیین عناصر برنامه درسی کارآفرینی در دوره آموزش عمومی(سنتزپژوهی). ***دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، دانشگاه خوارزمی دوره ۵، شماره ۹***، ص ۱۰۵- ۱۴۲.

نادری، نادر؛ صبا امیری، سهراب دل‌انگیزان و حبیب جعفری.(۱۳۹۴). الگوسازی مفهومی تأثیر مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی بر نگرش هنرجویان به کسب و کار در هنرستان‌های کاردانش. ***نشریه کارآفرینی در کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، دوره ۲، ش ۲***، ص ۱۷-۳۴.

ناهید، مجتبی و امیر گلابی.(۱۳۹۱). توصیفی از استراتژی کارآفرینی سازمانی بر اساس مدل موریس. ***بررسی‌های بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۵۳***، خرداد و تیر ماه ۱۳۹۱، صص ۲۶-۴۲.

Bechard, J.P & D. Gregoire (2005) . Entrepreneurship education research revisited: the case of higher education. ***Academy of Management Learning and Education, 7(1)***: 22 - 43. Published Online: 30 Nov 2017 https://doi.org/10.5465/amle.2008.31413862.

Bennett, R (2006). Business lecturers' perceptions of the nature of entrepreneurship. ***International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, 12(3):***165–188. http://dx.doi.org/10.1108/13552550610667440.

Birdthistle, N (2008). An examination of tertiary students' desire to found an enterprise. ***Education and Training, 50(7):*** 552-567. https://doi.org/10.1108/00400910810909027

Casson, M.C (1982), ***The Entrepreneur: in Economic Theory.*** Oxford, Martin Robertson, 2nd. Ed. Edward Elgar, 2003.

Drakopoulou Dodd, S. & B Hynes (2012). The Impact of Regional Educational Contexts upon Enterprise Education. ***Entrepreneurship & Regional Development, 24(9-10)*** 28 Nov 2012: 733-740.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

Draycott, Matthew & D. Rae (2011). Enterprise education in schools and the role of competency frameworks. ***International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, 17(2)***: 127-145, https://doi.org/10.1108/13552551111114905.

Fayolle, A (2013). Personal views on the future of Entrepreneurship Education. ***Journal of Entrepreneurship & Regional Development, 25(7)***, Regional Studies Association Jul 2013: 692-701 https://scolar.google.com/citations?user.

Frank, A.I (2007). Entrepreneurship and enterprise skills, a missing element of planning education. ***Practice & Research, 22(4***): 635–48.

Garnett, J (2013). Enterprise pedagogy in music: an exploration of multiple pedagogies. ***Journal Music Education Research, 15(1)***: 1-18.

Gartner, W.B (2007). ***Is there an elephant in entrepreneurship? Blind assumptions in theory development***. Publisher: Springer Berlin Heidelberg.

Ghulam, N & R Holden (2008).Graduate Entrepreneurship: intentions, education and Training" Journal Education + Training, 50(7): 555-541.

Gibb, A.A (2011).Concepts into practice: Meeting the challenge of development of entrepreneurship educators around an innovative paradigm: The case of the International Entrepreneurship Educators Programme (IEEP). International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research, 17(2): 146-165.

Heinonen, J. & E. Akola (2007) . ***Entrepreneurship Training and Entrepreneurial Learning in Europe***. Results from the ENTLEARN Project, TSE Entre, Turku School of Economics, Esa Print Oy, Tampere.

Holmgren, C & J. From (2005).Taylorism of the Mind: Entrepreneurship Education from a Perspective of Educational Research. ***European Education Research Journal. 4(4):*** 382–390.

http://dx.doi.org/10.2304/eerj.2005.4.4.4.

Honig, B (2004).Entrepreneurship education: Toward a model of contingency- based business planning. ***Academy of Management Learning and Education, 3(3)***: 258–273.

Jack, S.L & A.R. Anderson (1999). Entrepreneurship education within the enterprise culture: Producing reflective practitioners. ***International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research, 5(3)***:110-125.

Jones, C. & J. English (2004).A contemporary approach to entrepreneurship education. ***Journal of Education and Training. 46(8/9)***: 416- 423.

Jones, Colin & H. Matlay (2011).Understanding the heterogeneity of entrepreneurship education: going beyond Gartner. Journal of Education + Training, 53(8/9): 692-703. https://doi.org/10.1108/00400911111185026.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

Jones, p; C. Miller, A. Jones, G. Packham, D. Pickernell & P. Zbierowski (2011).Attitudes and motivations of Polish students towards entrepreneurial activity. ***Journal of Education and Training, 53(5***): 416-432.

Kassean, H; J. Vanevenhoven; E. Liguori, & D.E. Winkel (2015).Entrepreneurship education: a need for reflection, real-world experience and action. Int***ernational Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, 21(5)***: 690-708, https://doi.org/10.1108/IJEBR-07-2014-0123.

Katz, J.A (2003).The Chronology and Intellectual Trajectory of American Entrepreneurship Education. ***Journal of Business Venturing, 18,*** 283-300. http://dx.doi.org/10.1016/S0883-9026(02)00098-8.

Kennedy, P (2002).Sinning in the Basement: What Are the Rules? The Ten Commandments of Applied Econometrics. ***Journal of Economic Surveys, 16 (4***): 569–589. http://dx.doi:10.1111/1467-6419.00179.

Kickul, J; L.K. Gundry; S.D. Barbosa & S. Simms (2010).One style does not fit all: the role of cognitive style in entrepreneurship education. ***International Journal of Entrepreneurship and Small Business, 9(1***): 36-57.

Kirchhoff, B.A (1994).***Entrepreneurship and Dynamic Capitalism: the Economics of Business Firm Formation and Growth***. Praeger, Volumes 1, Pages 240.

Kirchhoff, B; I. Hassan; C. Armington & S. Newbert (2002).***The influence of r & d. expenditures on new firm formation and economic growth***. [Referred November 8, 2013]. http://www.njit.edu/v2/News/Releases/finalreport_10-02-02.pdf.

Kirzner, Israel.M (1979). ***Entrepreneurship, Economics, and Economists. in the Collected Works of Israel M. Kirzner, Austrian Subjectivism and the Emergence of Entrepreneurship Theory***, Peter J. Boettke and Frederic Sautet, eds, Indianapolis, IN: Liberty Fund, 2015, 139-50.

Kolb, D.A (1984). ***Experiential learning: Experience as the source of learning and development***. Prentice-Hall, New Jersey.

Kuratko, D.F (2005).the Emergence of Entrepreneurship Education: Development, Trends, and Challenges. ***Entrepreneurship Theory & Practice, 29,*** 577-598. http://dx.doi.org/10.1111/j.1540-6520.2005.00099.x.

Linan, F (2004) . Intention-based models of entrepreneurship education. University of Seville, Spain.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

Linan, F; J.C. Rodríguez-Cohard & J.M. Rueda-Cantuche (2011).Factors affecting entrepreneurial intention levels: a role for education. ***International Journal Entrepreneurship and Management, 7(2)***: 195-218.

Lackéus, M.(2015). ***Entrepreneurship in Education: What, Why, When***, *How*. Centre for Entrepreneurship, SMEs, Tourism and Local Development. Paris: OECD.

Luczkiw, E (2008). Entrepreneurship Education in an age of Chaos, Complexity and Disruptive Change. ***in potter, J. (Ed), Entrepreneurship and higher education: 65-93.*** OECD poblishing. Doi: 10.1787/9789264044104-5-en.

Maritz Alex & C.R. Brown (2013). Illuminating the black box of entrepreneurship education programs. ***Education and Training, 55(3***): 234-252. https://doi.org/10.1108/00400911311309305.

Matlay, H (2008).The impact of entrepreneurship education on entrepreneurial outcomes. ***Journal of Small Business and Enterprise Development, 15(2***): 382-396.

Mueller, S.L. & A.S. Thomas (2001).Culture and entrepreneurial potential: A nine country study of locus of control and innovativeness. ***Journal of Business Venturing, 16(1***): 51-75.

Neck, H. & P. Greene (2011).Entrepreneurship education: known worlds and new frontiers. ***Journal of Small Business Management, 49(1)***: 55–70.

Nurmi, P. & K. Paasio (2007).Entrepreneurship in Finnish universities. ***Education and Training. 49(1):*** 56-65, https://doi.org/10.1108/00400910710729884.

Powell, W. W. & Kurt W. Sandholtz (2012). Amphibious Entrepreneurs and the Emergence of Organizational Forms. ***Strategic Entrepreneurship Journal, 6(2)***: 94-115. https://doi.org/10.1002/sej.1129.

Sexton, D.L. & N.B. Upton (1987). Evaluation of an Innovative Approach to Teaching Entrepreneurship. ***Journal of Small Business Management, 25(1***): 35-43.

Shepherd, D.A (2004). Educating entrepreneurship students about emotion and learning from failure. ***Academy of Management Learning and Education, 3(3***): 274–287.

Solomon, G.T. (2007).An examination of entrepreneurship education in the United States. ***Journal of Small Business and Enterprise Development, 14(2)***, 168–182. http://dx.doi.org/10.1108/14626000710746637.

Tan, S.S. (2004).Designing an Entrepreneurship Education Framework Using Problem-based Learning. ***Proceedings of the 2004 International***

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]

Conference on Teaching and Learning in Higher Education, 1–3 December, Singapore.

Walter, S.G. & D. Dohse (2012).Knowledge context and entrepreneurial intentions among students. ***Small Business Economics, 39(4):*** 877–895.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-30]